

دعای فرج
توحیدی است

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیت الله حاج شیخ حیدر تربتی کربلایی (زید
عزه)

سلام علیکم، ضمن آرزوی سلامتی و طول عمر حضرت عالی احتراماً
به استحضار می‌رسانیم برخی از اشخاص سند دعای فرج که مرحوم
محدث قمی در مفاتیح الجنان نقل نموده است را ضعیف دانسته و متن
این دعا را شرک آلود و جعلی برشمرده‌اند، متنی که محضر مبارک
حضرت عالی ارائه می‌دهیم عین عبارت مستشکل می‌باشد، لذا استدعا

داشته مرحمت نمائید پس از این که نظر مبارک حضرت عالی در خصوص سند و متن دعای فرج را بیان فرمودید جوابی در مورد متن مذکور مستشکل این دعا مرقوم فرمائید.

عین متن مستشکل:

از سوی نادانان یا مغرضان در این دعا کلمات شرک آلود قرار داده شده است، بله عبارت >> یا محمد یا علی، یا علی یا محمد، إکفیانی فإنگما کافیان و انصرانی فإئکما ناصران یا مولانا یا صاحب الزمان << توسط برخی جاهلان در آن جعل شده است و با قبل و بعد همین دعا که توحیدی است نمی سازد و با عقاید شیعه نمی سازد ولی با جهالت چه می شود کرد؟! جاهلان همین قسمت را بلند و با هم متّحداً می خوانند.

با تشکر از محضر مبارکتان، مأجور باشید.

جوابیه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين
و السلام عليكهم و على من سلم نفسه لهم صلوات الله عليهم

و لعنة الله على أعدائهم أجمعين

۱- منبع

و عليكم السلام و رحمة الله و برکاته

قبل از جواب به سؤال ذکر شده باید به چند نکته توجه نمود:

۱- میراث حدیثی شیعه امامیه با زحمات بسیار و مجاهدت‌های حضرات اهل بیت اطهار علیهم السلام و نظارت دقیق آنان و کوشش محدثین گران قدر و تحمل آزارها و شکنجه‌های دشمنان لعنهم الله تعالی برخی از آنها به دست ما رسیده است، و کمتر از احادیث جعلی و دروغ برخوردار است.

هرچند سند احادیث و روایات امامیه از جهت صناعیت علم رجال دچار مشکل شده‌اند، لکن چنان‌که گفته شد با نظارت ائمه معصومین و عرضه نمودن متن کتب احادیث به آنها و به علماء و فقهاء امامیه کمتر دچار تحریف شده‌اند، بر خلاف روایات و احادیثی که در عامه و مخالفین است که مکرراً دست‌آویز حکام و محدثین مزدور آنان و نواصب قرار گرفته و جعل و تحریف و یا دچار تغییر گشته است که خودشان نیز معترف به آن هستند، و راه حل‌هایی برای تشخیص

صحیح از ناصواب و تصحیح وجود دارد که شخص باید اهلّیت و خبرویت داشته باشد تا برایش معلوم گردد.

۲- لذا تنها دلیل صحت صدور احادیث اهل بیت اطهار علیهم السّلام منبع درجه یک و سند متصل و صحیح نمی باشد، بلکه متن آنها بیشتر باید مدّ نظر باشد، و کسی که تنها دلیل ردّ احادیث را فاقد سند بودن آنها بداند دلالت بر جهالت و بیگانگی او از شناخت احادیث اهل بیت اطهار علیهم السّلام می کند.

۳- و باید دانست که این قسمت از دعای ذکر شده (یا مُحَمَّدُ! یا عَلِیُّ! اِکْفِیَانِی فَاِکْفِیْمَا کَافِیَانِ، وَ اَنْصُرَانِی فَاِنْکِفِیْمَا نَاصِرَانِی، یا مَوْلَايَ یا صَاحِبَ الزَّمانِ! الْغَوْثُ الْغَوْثُ، اَذْرِکْفِی اَذْرِکْفِی اَذْرِکْفِی) و شبیه آن را محدّثین و مفسّرین و علماء و فقهاء شیعه امامیه در طول بیش از ۱۰۰۰ سال در کتب خود ذکر نموده اند، و هیچ کدام کمترین اشکال را به آن نکرده اند تا چه رسد به این که بگویند: با اعتقاد به توحید و عقائد شیعه نمی سازد،

و ما در این جا برخی از آن منابع را ذکر می کنیم؛

۱- دعایی که امام زمان عجل الله فرجه الشریف به ابوالحسن محمد بن أحمد بن أبی الّلیث تعلیم دادند و از کشته شدن رهایی یافت

شیخ جلیل القدر فضل بن حسن الطبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان متوفای ۵۴۸ در کتاب کنوز النّجاح نقل کرده: که این دعا را حضرت صاحب الزّمان صلوات الله علیه در خواب به ابی الحسن محمد بن احمد بن ابی اللّیث رحمه الله در شهر بغداد در مقابر قریش (حرم کاظمین علیهما السّلام) تعلیم نمود.

ابو الحسن مذکور از ترس کشته شدن به مقابر قریش گریخته و پناه برده بود. پس به برکت خواندن این دعا از کشته شدن نجات یافت، و ابو الحسن مذکور گفته است که: آن حضرت به من تعلیم نمود که بگو:

«اللّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَ مَنَعَتِ السَّمَاءُ، وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكِي، وَ عَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اللّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، فَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ، فَفَرَّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا كَلَمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، اكْفِيَانِي فَإِنِّكُمَا كَافِيَايَ، وَ انصُرَانِي فَإِنِّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي».

وی گفت: در وقت گفتن یا صاحب الزّمان، حضرت اشاره به سینه

مبارک خود نمود.^۱

محمد بن جریر طبری صغیر شیعی متوفای قرن ۵ و معاصر شیخ طوسی و شیخ نجاشی در کتاب «دلائل الإمامة» گوید: (تمامی حکایت را در پی‌نوشت‌ها بخوانید): تا این‌که حضرت صاحب الأمر علیه السلام به او فرمود: ای أبا الحسین بن أبی البغل! چرا دعای فرج نمی‌خوانی؟ گفتم: آقای من دعای فرج کدام است؟ گفت: دو رکعت نماز می‌خوانی و سپس می‌گوئی:

«يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَ لَمْ يَهْطِكِ السِّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَغِيثٍ، يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا».

سپس ده مرتبه بگو: «یا رَبَّاهُ» و ده مرتبه بگو: «یا سَيِّدَاهُ» و

ده مرتبه بگو: «یا مَوْلِیَّاهُ» و ده مرتبه بگو: «یا غَايَتَاهُ» و ده

مرتبہ بگو: «یا مُنْتَهٰی رَغْبَۃً» آنگاہ بگو:

«أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْنًا لِيَّتِي، وَنَفْسَتَ هَمِّي، وَفَرَجَتَ عَنِّي، وَأَصْلَحْتَ حَالِي».

آن‌گاه هر حاجتی داری از خدا بخواه. سپس گونه راست را روی

زمین بگذار و صد مرتبه در سجودت بگو:

«يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنِّكُمَا
كَافِيَايَ، وَ انْصُرَانِي فَإِنِّكُمَا نَاصِرَايَ».

بعد از آن گونه چپ را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو:

«أَذْرِكُنِي» و آن را بسیار تکرار کن! سپس با يك نفس بگو:

«الْغَوْثَ الْغَوْثَ ...»، آن‌گاه سرت را بردار که خداوند با کرم

خود حاجت تو را روا خواهد نمود.^۲

۳- دعایی که از امام زمان عجل الله فرجه روایت شده و مستحب است پس از به جا آوردن نماز آن حضرت دعا شود

شیخ مفید متوفای ۴۱۳ در کتاب «المزار الکبیر» پس از نقل زیارت

حضرت ولی عصر علیه السلام و عجل الله فرجه الشریف می‌نویسد:

... و ۱۲ رکعت نماز می‌گذاری و به دعایی که از آن حضرت روایت

شده است دعا می‌کنی و آن این است:

«اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَ
ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ
الْمُسْتَكْفَى، وَ عَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، فَعَرَفْتَنَا
بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً كَلَمَحَ الْبَصَرِ

أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ، يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ،
 أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، وَ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا
 مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغُوثَ الْغُوثَ الْغُوثَ،
 أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي».^۳

این دعا را شیخ محمد بن جعفر بن المشهدی متوفای ۶۱۰ در کتاب
 «المزار الكبير» و شیخ شهید اول محمد بن مکی متوفای ۷۸۶ در کتاب
 «المزار» نیز آورده‌اند.

۴- دعای پس از ۲ رکعت نماز حضرت قائم عجل الله فرجه ...

سید علی بن طاووس متوفای ۶۶۴ در کتاب «جمال الأسبوع» در
 توصیف نماز حضرت حجت قائم علیه السلام فرموده: پس از به جا
 آوردن ۲ رکعت نماز آن حضرت که با ۱۰۰ مرتبه گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ
 إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» در هر رکعت است در سرداب مقدس این دعا خوانده
 می‌شود:

«اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَ
 ضَاقَتْ الْأَرْضُ بِمَا وَسَعَتْ السَّمَاءُ، وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ
 الْمُشْتَكِي، وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْتَنَا بِطَاعَتِهِمْ، وَ عَجَّلِ
 اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَ أَظْهِرْ إِعْزَازَهُ. يَا مُحَمَّدُ! يَا عَلِيَّ!
 يَا عَلِيَّ! يَا مُحَمَّدُ! اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا
 عَلِيَّ، يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ، أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا

مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، إِحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا
حَافِظَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ:
الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الْأَمَانَ
الْأَمَانَ الْأَمَانَ».^۴

۵- دعایی که امام زمان علیه السلام به زندانی تعلیم فرمود و نجات یافت

شیخ ابراهیم بن علی کفعمی متوفای ۹۰۵ در کتاب «المصباح»
می‌گوید: دعایی که صاحب الأمر عجل الله فرجه به مردی که زندانی
بود آموخت و او نجات یافت:

«[إِلَهِی] اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ
الْغِطَاءُ، وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَ مُنِعَتِ
السَّمَاءُ، وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى، وَ عَلَيْكَ
الْمُعَوَّلُ، فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ
عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً قَرِيباً
كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا
مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، وَ انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا
نَاصِرَايَ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْأَمَانَ الْأَمَانَ
الْأَمَانَ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي،
السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ. يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ».^۵

۶- دعای در ضمن زیارت امامین کاظمین علیهما السلام

سید علی بن طاووس متوفای ۶۶۴ در کتاب «مصباح الزائر»: این دعا را ضمن زیارت امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده است: سپس پایین پای امام کاظم علیه السلام می ایستی و می گویی:

«اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَ أَنْتَ يَا رَبِّ الْمُسْتَعَانُ، وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، وَ فَرَّجَ عَنَّا كَرْبَنَا قَرِيباً كَلَّمَحِ الْبَصَرَ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، يَا مُصْطَفَى يَا مُرْتَضَى، يَا مُرْتَضَى يَا مُصْطَفَى، أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، وَ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي».

با یک نفس می گویی تا نفست تمام شود، سپس حاجتت را می خواهی که قطعاً به اذن الله قضا می شود.^۶

2- سند دعا

به شهادت علمای امامیه: (شیخ مفید و طبری و طبرسی در قرن ۵ و شیخ ابن المشهدی و سید بن طاووس در قرن ۷ و ...) این دعاها که استنصار از رسول الله و امیر المؤمنین و صاحب الامر صلوات الله

علیهم در آنها هست، از وجود مبارک حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه صادر شده و اعتماد این فقهاء امامیه کفایت می‌کند. دیگر این که بنابر فرمایش اهل بیت اطهار علیهم السلام نیاز به دقت در سند و طریق روایت در سنن و از آنها ادعیه و زیارات نیست و تسامح در آنها باید نمود، بنابر این فقهای چون شیخ مفید و غیر ایشان که نقل کرده‌اند و تصریح به صدور آن از جانب امام علیه السلام نموده‌اند حتماً با تفقه و اطلاع چنین فرموده‌اند، فتأمل.

3- متن پایانی دعاء و همخوانی با توحید و عقائد شیعه
وسيله و سبب

بنابر نص قرآن مجید که فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».^۷

«أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا».^۸

خدای تعالی بنا ندارد کاری کند مگر به وسیله و سبب، و فرمان داده که برای تقرب به او باید وسیله فراهم نمود، وسیله چیزی است که با

آن به چیزی و یا شخصی نزدیک می‌شویم.

و امر خلق را به اهل بیت اطهار علیهم السلام تفویض فرموده است و از آن امور امر شفاعت است، که امری است مسلم و در احادیث مخالفین نیز آمده است، این که به خداوند تعالی می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ».

و خود ابن تیمیه که از اشد نواصب است نیز این چنین توسل را قبول دارد و اعتراف به صحت حدیث آن می‌کند.^۹

حافظ سلیمان بن أحمد بن أيوب اللّخمي الطّبراني متوفای ۳۶۰ هجری در کتاب «المعجم الكبير» جلد ۹ صفحه ۱۶ و ۱۷ باب ما أسند إلى عثمان بن حنيف رقم ۸۳۱۰ و در کتاب «المعجم الصغير» جلد ۱ صفحه ۱۸۳ و ۱۸۴ از ابوامامة بن سهل بن حنيف از عمویش عثمان بن حنيف آورده است که: مردی برای مشکلی که داشت مکرر نزد عثمان بن عفان می‌رفت و عثمان به او اعتنایی نمی‌کرد، تا این که روزی عثمان بن حنيف را دید و نزد او شکوه نمود، و عثمان بن حنيف به او گفت: به وضوخانه رو و وضو گیر و به مسجد برو و در آن جا دو رکعت نماز گزار و بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ،

يَا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَقْضِي لِي حَاجَتِي».

و حاجت را نام ببر و نزدم بیا تا با تو (نزد عثمان) بیایم.

پس آن مرد آن چه را که ابن حنیف بدو گفت انجام داد، و خودش نزد عثمان بن عفان رفت و دربان او آمد و دستش را گرفت و کنار عثمان بر فرش نشاند، پس به گفت: خواسته تو چیست؟ و خواسته‌اش را گفت و او نیز انجام داد و به او گفت: تا این زمان به یاد کار و خواسته‌ات نبودم، و به او گفت: هر کار و خواسته‌ای داشتی بگو. سپس آن مرد از پیش او بیرون شد و عثمان بن حنیف را ملاقات کرد و به او گفت: خداوند به تو جزای خیر دهد، عثمان هرگز به من توجهی نمی‌کرد و به خواسته‌ام اعتنایی نمی‌نمود تا این که تو با او سخن گفتی. عثمان بن حنیف گفت: و الله با او سخنی نگفتم، و لکن من شاهد بودم که روزی مردی نابینا شکایت از کور شدنش نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آورد، پیامبر به او فرمود: (بر نابینایی) شکیبایی می‌کنی؟ گفت: یا رسول الله! دست‌گیری ندارم و بر من بسیار سخت شده است. پیامبر به او فرمود:

«به وضوخانه برو و وضو بگیر و دو رکعت نماز گذار و به

این دعا دعا نما».

ابن حنیف گوید: سوگند به الله از یکدیگر متفرق نشده بودیم و دیرزمانی نگذشت که آن مرد بر ما داخل شد چنانکه گویی هرگز کور نبوده است.

نسائی، و ترمذی نیز آنرا نقل کرده و می‌گویند: هذا حدیث حق حسن صحیح.¹⁰

ابن ماجه نیز آنرا صحیح دانسته است. و رفاعی گوید: لا شك أن هذا الحدیث صحیح و مشهور.¹¹

حتی آلوسی که از وهابین متعصب است نیز در تفسیر خودش «روح المعانی» جلد ۶ صفحه ۱۲۸ اذعان دارد به این که مانعی از برای توسل به مقام و جایگاه افراد صالح خواه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یا غیر او باشد، به شرط این که آن شخصی که به او متوسل می‌شوند مقامی نزد خداوند داشته باشد.

و اما توسل به ذوات رسول الله و اهل بیت اطهارش علیهم صلوات الله نیز در این روایت می‌باشد، پیامبر به او تعلیم فرمود که چنین دعا کند: «یا مُحَمَّدُ! إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَقْضِي لِي حَاجَتِي».

و قضای حاجتش را از رسول الله درخواست کرد، فتأمل جيداً.

و در خبری که بزرگان عامّه نقل کرده‌اند: منصور دوانیقی لعنه الله به امام مالک گفت برای دعا کردن رو به قبله کنم و یا رو به قبر رسول الله صلی الله علیه و آله؟ مالک در جواب گفت:

و لم تصرف وجهك عنه و هو وسيلتك ووسيلة أبيك آدم عليه السلام إلى الله تعالى يوم القيامة؟ بل استقبله، و استشفع به، فيشفع لك عند الله تعالى.^{۱۲}

او نیز تصریح دارد به این که خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسیله حضرت آدم علیه السلام و فرزندان او به بارگاه الهی است، باید از او شفاعت طلبید و او نزد خالق تعالی شفاعت می‌نماید.

و در زیارت شریفه جامعه کبیره صادره از امام علی الهادی علیه السلام است:

«... أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، ... وَ اسْتَرْعَاكُمْ الْأَنَامَ، وَ فَوَّضَ إِلَيْكُمْ الْأُمُورَ، ...».^{۱۳}

تفویض امور، مطلق امور خلق به اهل بیت اطهار علیهم السلام شده است، البته نه تفویضی به استقلال بلکه در طول ولایت الله

تعالی، که آنان باب الله و يد الله هستند،

در بیان اهل بیت اطهار علیهم السلام تنها وسیله قرب به حضرتش آنان هستند.

حضرت فاطمه علیها السلام ضمن خطبه در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«... وَ نَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ، ...»
۱۴.

... و ما ییم وسیله خداوند در میان خلق او، و ما یم خاصان او و جایگاه قدس او، و ما حجت‌های او در غیب او یم، و وارثان پیامبران ما هستیم،

آنان وسیله و واسطه مخلوق با خالق و خالق با مخلوق هستند، و به شفاعت آنان است که مخلوق از فیض الهی بهره‌مند می‌شود،
علي بن أحمد السهودي متوفای ۹۱۱ از بزرگان عامه در کتاب «وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى» جلد ۴ صفحه ۱۳۴۰ می‌گوید:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
«مَنْ حَجَّ فَرَارَ قَبْرِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي».

پس حیات و ممات رسول الله در این امر یکسان است که استشفاع و استنصار از او مشروع است و می تواند شفاعت نماید و استنصار از او اجابت شده و نصرت می دهد.

و در احادیث اهل بیت اطهار علیهم السلام و در کتب امامیه تغمدهم الله برحمته الواسعة موارد بسیاری از این مطالب و در شفاعت و توسل به آنان وجود دارد، من طلب وجد.

و این فراز از دعای فرج مورد ذکر که از رسول الله و امیر المؤمنین و صاحب الامر صلوات الله و سلامه علیهم استنصار می شود نیز نه تنها شرک آلود نیست که عین توحید است، ذات باری تعالی در قرآن کریم امر فرموده: «و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» و آنان وسیله مطلوب الهی هستند، پس به فرمان اوست که از اهل بیت اطهار علیهم السلام استنصار می شود و آن امثال امر الهی و توحید است.

4- جاهل کیست؟ خواننده دعای فرج و یا؟
با آنچه ذکر گردید برای شخص منصف معلوم می شود؛ آن کس که فعل متوسلین به حضرات آل الله علیهم صلوات الله را جاهل می داند جاهل است یا آنان؟ و الله العالم بما تخفي الصدور.

أَعَاذَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنْ وَسَاوِسِ الشَّيْطَانِ اللَّعِينِ الرَّجِيمِ

و حزه و دسائسهم و عصمنا الله بمحمد و آله عليهم صلواته من فتن آخر الزمان.

فسلام الله و صلواته و صلوات ملائكته و رسله و جميع خلقه و سلامهم على أشرف خلقه و أفضل بريته محمد صلى الله عليه و آله، و عجل الله تعالى فرجهم بظهور قائمهم و وليّ دمائهم الحجة بن الحسن المهديّ روي فداه، و لعنة الله على أعدائهم أجمعين.

و السلام عليكم و رحمة الله خامس عشر شهر ربيع

الثاني 1441

قم المقدسة عشّ آل محمد صلى الله عليهم

عبيدهم حيدر حسين التريتي الكربلائي

عفى الله عنه و عن والديه و غفر لهم



پی نوشت ها

١ - كتاب «كنوز النّجاح»، شيخ جليل أمين الإسلام فضل بن الحسن الطّبرسي صاحب تفسير «مجمع البيان» متوفى ٥٤٨ جديداً چاپ شده در مجمع الإمام الحسين العلميّ التابعة للعتبة الحسينيّة عليه السلام: ص ١١٢ و ١١٣ ح ١١٣ - و هو الدّعاء الذي علّمه الإمام صاحب الزّمان في المنام لإبي الحسن محمد بن أحمد بن أبي اللّيث رحمه الله تعالى، في بلدة بغداد، في مقابر قريش، و قد كان أبو الحسن قد هرب إلى مقابر قريش و التجأ إليها من خوف القتل، فنجّي

ببركة هذا الدعاء. قال أبو الحسن المذكور: إنه علمني أن أقول: «اللَّهُمَّ عَظُمَ
الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَ
مَنَعَتِ السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.
اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ،
فَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ، فَرَجًا عَاجِلًا كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ
أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ! يَا عَلِيُّ! أَكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ،
يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ! الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي».
قال الراوي: إنه عليه السلام عند الحديث مع صاحب الزمان كان يشير إلى
صدره المبارك.

از او: (جنة المأوى، ميرزا حسين نوري صاحب مستدرک الوسائل)
الحكاية ۴۰ چاپ شده در ضمن بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۲۷۵ و نجم ثاقب در
احوال امام غایب علیه السلام: ج ۲ ص ۵۵۴ حکایت ۲۴.
و إلزام الناصب، شیخ علی یزدی متوفای ۱۳۳۳ که مشرف به دیدار امام زمان
علیه السلام شده است: ج ۲ ص ۴۳ حکایت ۲۸ از مستدرک الوسائل از کنوز
النجاح.

و مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی مستشهد به دست بهائی‌های مرتد
در ۱۳۴۸: ج ۱ ص ۳۰۷ ح ۵۲۸ از مستدرک از کنوز النجاح و جلد ۲

ص ۱۲۲ ح ۱۱۵۴ از جنة المأوى از كنوز النّجاح.

و العبقرىّ الحسان، شيخ على اكبر نهاوندى متوفى ۱۳۶۹: ج ۶ ص ۶۹۷
ياقوته ۲۳ از كنوز النّجاح.

دار السّلام در احوالات حضرت مهدى عليه السّلام، شيخ محمود عراقى
متوفى ۱۳۰۸: ص ۳۱۰ معجزه ۴۵ از كتاب منامات (دار السّلام فيما يتعلّق
بالرؤيا و المنام) ميرزاى نورى.

و

۲ - كتاب «دلائل الإمامة»، محمد بن جرير بن رستم طبرى صغير متوفى
قرن ۵ و معاصر شيخ طوسى و شيخ نجاشى: ص ۳۰۴ و چاپ ديگرى
ص ۵۵۱ ح ۵۲۵ / ۱۲۹ - حدّثني أبو الحسين محمد بن هارون بن موسى
التلعكبري، قال: حدّثني أبو الحسين بن أبي البغل الكاتب، قال: تقلّدت عملاً
من أبي منصور بن الصّالّحان، و جرى بيني و بينه ما أوجب استتاري، فطلبني
و أخافني، فمكثت مستتراً خائفاً، ثمّ قصدت مقابر قريش ليلة الجمعة، و
اعتمدت المبيت هناك للدّعاء و المسألة، و كانت ليلة ريح و مطر، فسألت ابن
جعفر القيم أن يغلق الأبواب و أن يجتهد في خلوة الموضع، لأخلو بما أريده
من الدّعاء و المسألة، و آمن من دخول إنسان ممّا لم آمنه، و خفت من لقائي
له، ففعل و قفل الأبواب و انتصف اللّيل، و ورد من الرّيح و المطر ما قطع

النَّاسِ عَنِ الْمَوْضِعِ، وَ مَكَثْتُ أَدْعُو وَ أَزُورُ وَ أَصَلِّي. فَبَيْنَمَا أَنَا كَذَلِكَ إِذْ سَمِعْتُ وَطْأَةً عِنْدَ مَوْلَانَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ إِذَا رَجُلٌ يَزُورُ، فَسَلَّمَ عَلَيَّ آدَمُ وَ أَوْلِيُّ الْعِزْمِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ثُمَّ الْأُئِمَّةُ وَاحِدًا وَاحِدًا إِلَى أَنْ انْتَهَى إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يَذْكُرْهُ، فَعَجَبْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُلْتُ: لَعَلَّهُ نَسِيَ، أَوْ لَمْ يَعْرِفْ، أَوْ هَذَا مَذْهَبُ لِهَذَا الرَّجُلِ. فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ زِيَارَتِهِ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَ أَقْبَلَ إِلَيَّ عِنْدَ مَوْلَانَا أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَزَارَ مِثْلَ الزِّيَارَةِ. وَ ذَلِكَ السَّلَامُ، وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَ أَنَا خَائِفٌ مِنْهُ، إِذْ لَمْ أَعْرِفْهُ، وَ رَأَيْتُهُ شَابًّا تَامًّا مِنَ الرِّجَالِ، عَلَيْهِ ثِيَابٌ بَيْضٌ، وَ عِمَامَةٌ مُحَنَكٌ بِهَا بَذْوَابَةٌ وَرَدِيٌّ عَلَى كَتِفِهِ مَسْبِلٌ، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْبَغَلِ! أَيْنَ أَنْتَ عَنْ دُعَاءِ الْفَرَجِ؟ فَقُلْتُ: وَ مَا هُوَ يَا سَيِّدِي. فَقَالَ: تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَ تَقُولُ: «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفَرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدَأًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ- عَشْرَ مَرَّاتٍ- يَا سَيِّدَاهُ- عَشْرَةَ مَرَّاتٍ- يَا مَوْلَيَاهُ- عَشْرَ مَرَّاتٍ- يَا غَايَتَاهُ- عَشْرَ مَرَّاتٍ- يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ- عَشْرَ مَرَّاتٍ- أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي، وَ نَفَسْتَ هَمِّي، وَ فَرَجْتَ عَنِّي، وَ أَصْلَحْتَ حَالِي» وَ تَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا شِئْتَ وَ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ.

ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ فِي سُجُودِكَ: «يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنِّكُمَا كَافِيَايَ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنِّكُمَا نَاصِرَايَ». وَتَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ، وَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ: «أَدْرِكْنِي» وَتُكْرِرُهَا كَثِيرًا، وَتَقُولُ: «الْغَوْثَ الْغَوْثَ» حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُكَ، وَتَرْفَعُ رَأْسَكَ، فَإِنَّ اللَّهَ بِكَرَمِهِ يَقْضِي حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. فَلَمَّا شَغَلْتَ بِالصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ خَرَجَ، فَلَمَّا فَرَّغْتَ خَرَجْتَ لَابْنِ جَعْفَرٍ لِأَسْأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ وَكَيْفَ دَخَلَ، فَرَأَيْتِ الْأَبْوَابَ عَلَى حَالِهَا مَغْلَقَةً مَقْفَلَةً، فَعَجِبْتَ مِنْ ذَلِكَ، وَقُلْتَ: لَعَلَّهُ بَابُ هَاهُنَا وَلَمْ أَعْلَمْ، فَأَنْبِهْتَ ابْنَ جَعْفَرِ الْقِيَمِ، فَخَرَجَ إِلَيَّ مِنْ بَيْتِ الزَّيْتِ، فَسَأَلْتَهُ عَنِ الرَّجُلِ وَدُخُولِهِ، فَقَالَ: الْأَبْوَابُ مَقْفَلَةٌ كَمَا تَرَى مَا فَتَحْتُهَا. فَحَدَّثْتَهُ بِالْحَدِيثِ فَقَالَ: هَذَا مَوْلَانَا صَاحِبُ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَقَدْ شَاهَدْتَهُ دَفْعَاتٍ فِي مِثْلِ هَذِهِ اللَّيْلَةِ عِنْدَ خُلُوقِهَا مِنَ النَّاسِ. فَتَأَسَّفْتُ عَلَى مَا فَاتَنِي مِنْهُ، وَخَرَجْتُ عِنْدَ قَرَبِ الْفَجْرِ، وَقَصَدْتُ الْكَرْخَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي كُنْتُ مُسْتَتِرًا فِيهِ، فَمَا أَضْحَى النَّهَارَ إِلَّا وَأَصْحَابُ ابْنِ الصَّالِحَانِ يَلْتَمِسُونَ لِقَائِي، وَيَسْأَلُونَ عَنِّي أَصْدِقَائِي، وَمَعَهُمْ أَمَانٌ مِنَ الْوَزِيرِ، وَرَقْعَةٌ بِخَطِّهِ فِيهَا كُلُّ جَمِيلٍ، فَحَضَرْتُ مَعَ ثِقَةٍ مِنْ أَصْدِقَائِي عِنْدَهُ، فَقَامَ وَالتَزَمَنِي وَعَامَلَنِي بِمَا لَمْ أَعْهَدْ مِنْهُ، وَقَالَ: إِنْتَهَتْ بِكَ الْحَالُ إِلَى أَنْ تَشْكُونِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: قَدْ كَانَ مِنِّي دُعَاءٌ وَمَسْأَلَةٌ. فَقَالَ: وَيْحَكَ، رَأَيْتِ الْبَارِحَةَ مَوْلَايَ صَاحِبَ

الزَّمان صلوات الله عليه في النوم- يعني ليلة الجمعة- و هو يأمرني بكلّ جميل، و يجفو عليّ في ذلك جفوة خفتها. فقلت: لا إله إلّا الله، أشهد أنّهم الحقّ و منتهى الصّدق، رأيت البارحة مولانا عليه السّلام في اليقظة، و قال لي كذا و كذا، و شرحت ما رأيته في المشهد، فعجب من ذلك، و جرت منه أمور عظام حسان في هذا المعنى، و بلغت منه غاية ما لم أظنّه ببركة مولانا صاحب الزّمان صلوات الله عليه.

ترجمه:

محمد بن جریر طبری صغیر شیعی متوفای قرن ۵ و معاصر شیخ طوسی و شیخ نجاشی در کتاب «دلائل الإمامة» گوید: ابو جعفر محمد ابن هارون بن موسی تلّعبری برای ما نقل کرد که ابو الحسین بن ابی البغل کاتب برای او نقل کرده بود که گفت: کاری از ابو منصور بن صالحان به گردن گرفتم، ولی میان من و او اتفاقی افتاد که موجب مخفی شدنم گشت. او مرا خواست و تهدید نمود. ولی من همچنان پنهان می‌زیستم و بر خویشتن می‌ترسیدم تا آن‌که يك شب جمعه به طرف مقابر قریش رفتم و قصد نمودم که شب را (در حرم مطهر کاظمین علیهما السّلام) بیتوته کنم. آن شب، شب باد و بارانی بود. لذا از ابو جعفر قیّم- کلیددار- خواستم که درها را به‌بندد، و سعی کند محلی را خلوت نماید، تا من در خلوت به دعا و مسئلت از خداوند پرداخته

و از داخل شدن آدمی که از او ایمن نبودم و می‌ترسیدم مرا به بیند؛ در امان باشم. ابو جعفر کلیددار هم پذیرفت و درها را بست تا آن‌که شب به نیمه رسید و باد و باران راه آمدن مردم را به حرم مطهر بست، و من با فراغت بال به دعا و زیارت و نماز مشغول گشتم. در همان موقع که سرگرم کار خود بودم، صدای پائی از طرف قبر مطهر حضرت موسی کاظم علیه السلام شنیدم. وقتی نگاه کردم دیدم مردی زیارت می‌کند و بر حضرت آدم و پیغمبران اولو العزم درود می‌فرستد. سپس بر يك يك امامان درود فرستاد تا به صاحب الزمان علیه السلام رسید ولی او را نام نبرد، من تعجب نمودم و گفتم: شاید فراموش کرد، یا این‌که امام زمان را نمی‌شناسد، یا این‌که مذهب او چنین است که امام دوازدهم را قبول ندارد. بعد از زیارت دو رکعت نماز گزارد، آن‌گاه آمد به جانب قبر امام محمد تقی علیه السلام و همان‌طور زیارت کرد و بر انبیاء و ائمه درود فرستاد و دو رکعت نماز خواند من از او وحشت کردم. زیرا او را نمی‌شناختم. ولی دیدم جوانی که علائم مردی در وی کامل است لباس سفیدی پوشیده؛ و عمامه‌ای حنک‌دار بر سر و ردائی بر دوش دارد. در این وقت آن جوان مرا مخاطب ساخت و فرمود: یا ابا الحسین بن ابی البغل! چرا دعای فرج نمی‌خوانی؟ گفتم: آقای من دعای فرج کدام است؟ گفت: دو رکعت نماز می‌خوانی و سپس می‌گوئی: «یا مَنْ أَظْهَرَ

الْجَمِيلَ، وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ السِّرَّ، يَا عَظِيمَ
الْمَنْ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا
مُبْتَدَأًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا. سپس ده مرتبه بگو: يَا رَبَّاهُ- و ده مرتبه بگو: يَا
سَيِّدَاهُ- و ده مرتبه بگو: يَا مَوْلَاهُ- و ده مرتبه بگو: يَا غَايَتَاهُ- و ده مرتبه بگو:
يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ- آن گاه بگو: أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي، وَ نَفَسْتَ هَمِّي، وَ فَرَجْتَ عَنِّي، وَ
أَصْلَحْتَ حَالِي» آن گاه هر حاجتی داری از خدا بخواه. سپس گونه راست را
روی زمین بگذار و صد مرتبه در سجود بگو: «يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا
مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، وَ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ». بعد از آن گونه
چپ را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو: «أَدْرِكُنِي» و آن را بسیار تکرار کن!
سپس با يک نفس بگو: «الْغَوْثَ الْغَوْثَ ...»، آن گاه سرت را بردار که
خداوند با کرم خود حاجت تو را روا خواهد نمود. موقعی که من مشغول به
نماز و دعا شدم، او از حرم بیرون رفت، چون فارغ گشتم رفتم که از ابو
جعفر کلیددار سراغ آن مرد را بگیرم و سؤال کنم با این که در بسته بود چگونه
او داخل شد؟ دیدم درها همچنان قفل است. تعجب کردم و پیش خود گفتم
شاید حرم در دیگر دارد که من نمط شناسم. رفتم به طرف ابو جعفر کلیددار؛

دیدم که از اطاقی که روغن چراغ در آن گذارده‌اند بیرون می‌آید. من سراغ آن مرد را از او گرفتم که چگونه داخل حرم شد؟ ابو جعفر گفت: چنان که می‌بینی درها همه بسته است و من هنوز درها را باز نکرده‌ام. من جریان را برای او نقل کردم: ابو جعفر گفت: این مرد مولی صاحب الزمان صلوات الله علیه بوده، مکرر در مثل چنین شبی که حرم خلوت است حضرتش را دیده‌ام. من بر آن‌چه از دست داده بودم تأسف خوردم. آن‌گاه نزدیک طلوع فجر از حرم بیرون آمدم و به جانب محله «کرخ» و جایی که در آن پنهان بودم رفتم هنوز آفتاب سر زده بود که دیدم اصحاب ابن صالحان سراغ مرا می‌گیرند و محل مرا از دوستانم می‌پرسند. آن‌ها از وزیر برای من امان آورده بودند و نامه‌ای به خط وی نشان دادند که نوشته بود: «همه چیز خوب است» من با یکی از دوستان موثقم به نزد ابن صالحان رفتم. او به احترام من برخاست و مرا کنار خود نشانید و طوری با من رفتار کرد که نظیر آن‌را از او به یاد نداشتم، سپس گفت: کار را به جایی رساندی که شکایت مرا به صاحب الزمان علیه السلام نمودی؟ گفتم: من دعا کردم و از وی سؤال نمودم. گفت: خوشا به حالت. دیشب یعنی شب جمعه در خواب دیدم که مولی صاحب الزمان مرا به انجام کارهای نیک امر می‌فرماید و چندان بر من سخت گرفت که هراسناک گشتم. گفتم: لا إله إلا الله گواهی می‌دهم که آن‌ها بر

حقّ و هر حقّی به آنها می‌پیوندد چه که دیشب مولی صاحب الزمان را در بیداری دیدم که به من چنان و چنین می‌فرمود. سپس ماجرای حرم مطهر را شرح دادم و او از این مطلب تعجب کرد. بعدها کاری بزرگ و نیکوی به خاطر این معنی از وی به عمل آمد و من هم به برکت وجود مبارك امام زمان صلوات الله علیه نزد او به جائی رسیدم که گمانش را نمی‌کردم. برخی از علمای شیعه که از او نقل کرده و به او اعتماد نموده‌اند: سیّد علیّ بن طاووس متوفای ۶۶۴ در کتاب «فرج المهموم في تاريخ علماء النجوم: ص ۲۴۶ دار الذخائر» و ... ، و صاحب «وسائل الشیعة» در کتاب «إثبات الهداة»: ج ۳ ص ۷۰۲ ب ۳۳ ف ۱۱ ح ۱۴۵ به اختصار از فرج المهموم و بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۳۰۴ ب ۱۵- از فرج المهموم. و مستدرک الوسائل: ج ۶ ص ۳۰۸ ب ۱۹ ح ۶۸۸۵ از فرج المهموم و از فلاح السائل (البته در فلاح السائل چاپ شده نمی‌باشد) از دلائل الإمامة. ۳ - المزار الكبير، شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان متوفای ۴۱۳: ص ۳۲۱ تتمّة في ذكر زيارة مولانا الحجة صاحب الزمان عليه السلام بسرّ من رأى: ... ثمّ تصليّ صلاة الزيارة إثنين عشرة ركعة، و تدعو بعدها بالدعاء المرويّ عنه عليه السلام، و هو:..

و المزار الكبير، شيخ محمد بن جعفر بن المشهدي متوفى ٦١٠: ص ٥٩١ الزيارة ٥- و يستحب أن يدعو بهذا الدعاء بعد صلاة الزيارة، فهو مروي عنه عليه السلام:..

و المزار، الشهيد الأول محمد بن مكّي متوفى ٧٨٦: ص ٢١٠- تتمّة في زيارة سيّدنا و مولانا حجة الله الخلف الصّالح أبي القاسم ... المهديّ صاحب الزّمان صلوات الله عليه و على آباءه بسرّ من رأى ... ثمّ تصلّي صلاة الزيارة اثنتي عشرة ركعة كلّ ركعتين بتسليمة، و يستحبّ أن تدعو بهذا الدعاء بعد صلاة الزيارة فهو مروي عنه عليه السلام:..

و علّامه مجلسی در بحار الأنوار: ج ٩٩ ص ١١٩ ب ٧ از المزار الكبير شيخ مفيد و المزار شهيد اول و المزار الكبير ابن المشهدي.

٤ - جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، سيّد عليّ بن طاووس متوفى ٦٦٤: ص ٢٨٠ صلاة الحجة القائم عليه السلام- ركعتين تقرأ في كلّ ركعة فاتحة الكتاب إلى «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثمّ تقول مائة مرّة: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثمّ تتمّ قراءة الفاتحة و تقرأ بعدها الإخلاص مرّة واحدة و تدعو عقيبها فتقول:..

از او: وسائل الشيعة: ج ٨ ص ١٨٤ ب ٥٣ ح ١٠٣٧٤-١.

٥ - (جنة الأمان الواقية) المصباح، إبراهيم بن علي العاملي الكفعمي

متوفای ۹۰۵: ص ۱۷۶- دعاء علّمه صاحب الأمر عجل الله فرجه لرجل

محبوس فخلص:.

۶ - مصباح الزائر: ص ۳۶۸ زیارة ثالثه: ... ثمّ تمضي فتقف عند رجله عليه

السّلام و تقول:.

از او: بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۸ ح ۱۱.

۷ - سوره (۵) المائدة آیه ۳۶.

۸ - سوره (۱۷) الإسراء آیه ۵۸.

۹ - مجموعة المسائل و الرسائل: ج ۱ ص ۱۳.

۱۰ - مسند، أحمد بن حنبل: ج ۲۸ ص ۴۷۸ الرقم ۱۷۲۴۰ و ۱۷۲۴۱ و

۱۷۲۴۲ و السنن، ابن ماجه: ج ۲ ص ۵۰۵ ب ۲۲۸ ح ۱ و السنن، الترمذي:

ج ۵ ص ۳۸۸ ب ۱۱۹ الرقم ۱ و السنن، النسائي: ج ۶ ص ۱۶۸ الرقم ۱۰۴۹۴ /

۱ و ۱۰۴۹۵ / ۲ و ۱۰۴۹۶ / ۳ و دلائل النبوة، أحمد بن الحسين البيهقي: ج ۶

ص ۱۶۶ إلى ۱۶۸ به ۶ طريق و سند، و مستدرک الصّحیحین، الحاكم

النیشابوري: ج ۱ ص ۳۱۳، أسد الغابة، ابن الأثير: ج ۳ ص ۳۷۱ و بسيارى

دیگر از عامّه به سندهای خودشان از عثمان بن حنیف.

و الخرائج و الجرائح: ج ۱ ص ۵۵ فصل من روايات العامة ... ح ۸۸- و منها:

أنّ عثمان بن حنیف قال: جاء رجل ضرير إلى رسول الله صلى الله عليه و آله

و شكاً إليه ذهب بصره فقال له رسول الله صلى الله عليه وآله: إئت الميضاة فتوضاً ثم صل ركعتين و قل: اللهم إني أسألك و أتوجه إليك بمحمد نبي الرحمة، يا محمد! إني أتوجه بك إلى ربك ليُجلي عن بصري. اللهم شفعه في و شفّعني في نفسي. قال ابن حنيف: فلم يطل بنا الحديث حتى دخل الرجل كأن لم يكن به ضرّ قطّ. از او: بحار الأنوار: ج ١٨ ص ١٣ ب ٦ ح ٣٢ و ج ٩١ ص ٥ ب ٢٨ ح ٦.

١١ - التوصل إلى حقيقة التوصل: ص ١٥٨.

١٢ - إمتاع الأسماع، المقرئزي: ج ١٤ ص ٦١٦ - ٦١٧ - و قد روى يعقوب بن إسحاق بن أبي إسرائيل، عن ابن حمد قال: ناظر أبو جعفر أمير المؤمنين مالكا في مسجد رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم فقال له مالك: يا أمير المؤمنين! لا ترفع صوتك في هذا المسجد، فإن الله عز وجل أدب قوما! فقال: (لا ترفعوا أصواتكم فوق صوت النبي و لا تجهروا له بالقول كجهر بعضكم لبعض أن تحبط أعمالكم و أنتم لا تشعرون) و مدح قوماً فقال: (إن الذين يغضون أصواتهم عند رسول الله أولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى لهم مغفرة و أجر عظيم). و ذم قوماً فقال: (إن الذين ينادونك من وراء الحجرات أكثرهم لا يعقلون) وإن حرمة صلى الله عليه وآله و سلم ميتاً كحرمة حياً، فاستكان له أبو جعفر و قال: يا أبا عبد الله! أستقبل القبلة و أدعو أم أستقبل

رسول الله صلى الله عليه (و آله) و سلم؟ فقال: و لم تصرف وجهك عنه و هو وسيلتك و وسيلة أبيك آدم عليه السلام إلى الله تعالى يوم القيامة؟ بل استقبله، و استشفع به، فيشفع لك عند الله تعالى. قال الله تبارك و تعالى: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا).

و تاريخ مكة المشرفة والمسجد الحرام والمدينة الشريفة والقبر الشريف، محمد بن أحمد المكي الحنفي: ص ٣٤٢ و يرون أن أبا جعفر المنصور ناظر مالك بن أنس... و رواه الحافظ ابن بشكوال.

و الشفا بتعريف حقوق المصطفى، القاضي عياض: ج ٢ ص ٤٠ - ٤١- حدثنا القاضي أبو عبد الله محمد بن عبد الرحمان الأشعري وأبو القاسم أحمد بن بقي الحاكم وغير واحد فيما أجازونه قالوا أخبرنا أبو العباس أحمد بن عمر بن دلهات قال حدثنا أبو الحسن علي بن فهر حدثنا أبو بكر محمد بن أحمد بن الفرغ حدثنا أبو الحسن عبد الله بن المنتاب حدثنا يعقوب بن إسحاق بن أبي إسرائيل حدثنا ابن حميد قال ناظر أبو جعفر أمير المؤمنين مالكا في مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم... .

و كتاب دفع الشبه عن الرسول صلى الله عليه (و آله) و سلم، الحصني الدمشقي: ص ١٤٠ - ١٤٢ و سبل الهدى و الرشاد، الصالحي الشامي: ج ١١

ص ۴۳۹ و ج ۱۲ ص ۳۹۵.

۱۳- المزار الكبير، ابن المشهدي: ص ۲۴۸ - ۸- زيارة أمير المؤمنين علي بن ابي طالب صلوات الله عليه: ... أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، النَّاطِقُونَ الصَّادِقُونَ، الْمُقَرَّبُونَ الْمُطَهَّرُونَ الْمُعْصُومُونَ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَائِكُمُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَاتَّمَنَّاكُمْ عَلَى الْغُيُوبِ، وَآمَنَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَاسْتَرْعَاكُمْ الْأَنَامَ، وَفَوَّضَ إِلَيْكُمْ الْأُمُورَ، وَجَعَلَ إِلَيْكُمْ التَّدْبِيرَ، وَعَرَّفَكُمْ الْأَسْبَابَ وَالْأَنْسَابَ، وَأَوْرَثَكُمْ الْكِتَابَ، وَأَعْطَاكُمْ الْمَقَالِيدَ، وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا خَلَقَ،

۱۴- شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج ۱۶ ص ۲۱۱ از کتاب السَّقِيفَة و فدك: ص ۹۸ قسمت ۲ به چند سند خطبه فدکیه را نقل کرده است که حضرت فاطمه علیها السلام ضمن خطبه خود فرمودند: «...وَاحْمَدُوا اللَّهَ ... وَنَحْنُ وَسَيَلَّتْهُ فِي خَلْقِهِ، وَنَحْنُ خَاصَّتُهُ، وَمَحَلُّ قُدْسِهِ، وَنَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَنَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ، ...». و شرح نهج البلاغة ابن میثم البحرانی: ج ۵ ص ۱۰۵.
